

آسیب‌شناسی مسئله تعدد زوجات در حقوق و رویه قضایی ایران

مهديه محمدتقی‌زاده^{۱*}، زهرا حمیدی‌سوها^۲

چکیده

پدیده چندهمسری از مباحثی است که در قرن اخیر بسیار مورد توجه اندیشمندان اجتماعی قرار گرفته است. نکته درخور تأمل در این تبیین‌ها، اتخاذ سرسختانه موضع دفاع یا مخالفت با چندهمسری است. از نظر برخی افراد، چندهمسری در زمان‌های گذشته رسم بوده است و اینک در بیشتر جوامع مرسوم نیست. از نظر گروه دیگر، تنها اصل تجویز آن در متون دینی، بر جواز انجام آن کفایت می‌کند. با توجه به این مسئله، که چندهمسری تحت عنوان «تعدد زوجات» تابع وجود شرایطی خاص (برگرفته از شرع و قانون) برای امکان تحقق است، حمایت از حقوق زنان، سلامت جامعه و پیامدهای مستقیم و غیرمستقیم چندهمسری بر خانواده، به‌منزله اساسی‌ترین نهاد اجتماعی، اهمیت توجه قانون‌گذار به این مقوله را دوچندان می‌کند. در مقاله حاضر، به روش کتابخانه‌ای، با رویکرد تحلیلی-توصیفی و استنتاجی، پس از بررسی تعدد زوجات در اسلام و پرداختن به این مسئله که اصل بر «تک‌همسری» است، به بررسی قوانین مرتبط با آن در قانون مدنی و قانون حمایت از خانواده پرداخته و پس از تحلیل نموداری ۲۰ پرونده مرتبط با تعدد زوجات، درنهایت در جهت حمایت از تحکیم بنیان خانواده و در دفاع از حقوق زنان و اطفال در خانواده‌هایی که با این معضل روبه‌رو می‌شوند پیشنهادهای قانونی ارائه شده است. مبتنی بر این امر که علل مشروع و موجه تقاضای ازدواج مجدد در قانون نام برده شود و دادخواست ازدواج مجدد منوط به وجود یکی از این علل به دادگاه به طرفیت زوجه ارائه شود و همچنین نهاد مشاوره تخصصی در دادخواست‌هایی که به سبب نشوز و عدم تمکین است در متن قانون پیش‌بینی شود.

کلیدواژه‌ها

تعدد زوجات، تک‌همسری، حقوق، قانون، رویه قضایی.

۱. استادیار گروه مطالعات زنان دانشگاه علامه طباطبائی

۲. کارشناس ارشد مطالعات زنان دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۳/۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۵/۲

مقدمه

اصطلاح چندهمسری، که در تقابل با تک‌همسری^۱ است، فی‌نفسه واژه‌ای عام است و از این‌رو شامل چندشوهری^۲ و چندزنی^۳ می‌شود. آنچه در توضیح این اصطلاح بیان می‌شود به نوعی رابطه‌ی تعریف‌شده‌ی اجتماعی اطلاق می‌شود که در آن یک مرد یا یک زن، رسماً و هم‌زمان، با بیش از یک جنس مخالف ازدواج کند [۲۳، ص ۱۲۷].

امروزه، خواسته یا ناخواسته، از مجموعه معیارهایی که نشان از توسعه‌ی حقوق زنان در جامعه تلقی می‌شود، میزان کاهش تعدد زوجات در عصر حاضر است. در بسیاری از کشورهای جهان، مسئله‌ی تعدد زوجات مورد قضاوت قانون قرار گرفته و سه نوع واکنش ایجابی، سلبی و سکوت یا مدارا در مورد آن اتخاذ شده است [۶، ص ۵۵-۵۶]. این موضوع که از مباحث اجتماعی پرچالش تاریخ بشریت است، در شریعت اسلام نیز مطرح شده است. در حقوق اسلامی، تعدد زوجات به چهار زن دائمی محدود شده و استیفاء عدد از موانع نکاح محسوب می‌شود. استیفاء در لغت به معنای کامل‌گرفتن است و استیفاء عدد، در اصطلاح فقهی، آن است که مرد چهار زن دائم داشته باشد که در این صورت نمی‌تواند زن پنجمی را به عقد دائم خود درآورد؛ اما در رابطه با زن، داشتن یک شوهر مانع ازدواج دوباره‌ی او خواهد بود. بنابراین، با توجه به مبانی دین اسلام و مقتضیات جامعه‌ی ایرانی، بحث تعدد زوجات از منظر حقوقی همیشه یکی از موضوعات مورد توجه بوده و نگاهی گذرا به آمار زنان و مردان در جوامع مختلف، همچون ایران، حکایت از لزوم تأمل جدی قانون‌گذاران در این خصوص است [۶، ص ۵۹]. با نظر به آثاری که روی زنان، به‌منزله‌ی نیمی از اقشار جامعه و مریبان‌ترین بنیان اجتماع، دارد از اهمیت بسزایی برخوردار است و بایسته است که در جهت حفظ حقوق اعضای خانواده و تأمین امنیت آن‌ها و همچنین حفظ نظم جامعه، محدودکردن آن مورد نظر واقع شود.

توجه قوای مقننه، مجریه و قضاییه به این موضوع در سالیان اخیر، تأمل در بحث را آشکارتر می‌کند که در پژوهش پیش رو سعی بر آن بوده که بدان‌ها اشاره شود. علاوه بر این موارد، پژوهش‌گر با بررسی مواد قانونی و رویه‌ی قضایی مرتبط با دادخواست‌های ازدواج مجدد و همچنین استقرا در تعدادی محدود از پرونده‌های مرتبط، مواردی را که مجوز طرح درخواست ازدواج مجدد است، تبیین کرده است.

بنابراین، اگرچه موضوع تعدد زوجات مورد توجه اندیشمندان و مؤلفان قرار گرفته است، تحلیل قانون جدید حمایت خانواده در این موضوع و بررسی رویه‌ی قضایی و پرونده‌های مرتبط در کنار آن، نوآوری پژوهش حاضر نسبت به تحقیقات پیشین است.

1. monogamy
2. polyandry
3. polygamy

بیان مسئله

دین اسلام در حوزه حقوق زنان دگرگونی‌های بسیاری ایجاد کرد و خانواده را به‌منزله نهادی مقدس و مستقل به رسمیت شناخت. سیاقی که شارع در این مسیر بنیان نهاد بر این اصل استوار شد که آنچه در خانواده اهمیت وافر دارد و ضروری است سایر مسائل حول آن باشند، مبنا قرار دادن منفعت‌های جمعی بر منفعت‌های شخصی است. از این منظر، مرد و زن تا پیش از آنکه به نکاح مبادرت کنند، نگرششان معطوف به خودشان است و خواسته‌های خود را مبنای همه مسائل زندگی قرار می‌دهند؛ اما پس از آنکه عقد نکاح را میان خودشان جاری می‌کنند، این نگرش از سمت خود به سمت خانواده به‌منزله نهادی کل تغییر مسیر می‌دهد و ورای خواسته‌ها و منفعت‌های شخصی فرد، اعم از زن یا مرد، قرار می‌گیرد. بنابراین، برهم زدن میثاق این کانون، به هر دلیلی که باشد، در نظر شارع مغبوض است. در نتیجه، بررسی عواملی که به این ویرانی دامن می‌زنند مسئله بسیار مهمی است که از جمله آن، تعدد زوجات و مشکلات ناشی از آن در عصر امروزی است. بنابراین، پژوهش پیش رو بر آن است ضرورت تعیین حدود قانونی به منظور ضابطه‌مند کردن دادخواست‌های ازدواج مجدد را یادآور شود و رعایت قواعد شرع را با هدف تأمین امنیت مالی، سلامت عاطفی و روانی زنان و فرزندان طلب کند.

روش پژوهش

این پژوهش برای گردآوری اطلاعات خود از منابع کتابخانه‌ای سود جسته است و استقرا در اندیشه حقوق‌دانان و رویه قضایی را مورد مذاقه قرار داده است. همچنین، از روش توصیفی، تحلیلی و استنتاجی استفاده شده و هم‌زمان بررسی‌ای بر روی پرونده‌های مرتبط داشته است.

پیشینه تعدد زوجات

تعدد زوجات در کشورهای غربی ممنوع بوده و مورد بحث و انتقاد بسیاری از دانشمندان و متفکران غربی واقع شده است؛ به گونه‌ای که آن را برخلاف نظم عمومی دانسته‌اند. البته در میان شرقیان نیز، گروهی با آنان هم‌آوا شده به تعدد زوجات تاخته‌اند. بنابراین، برای بررسی پیشینه باید به تاریخچه آن پیش از اسلام و پس از اسلام نظر داشت.

تعدد زوجات قبل از اسلام

سنت چندهمسری در بسیاری از اجتماعات بشری سابقه دیرینه دارد و همواره به‌منزله یک قاعده رایج بوده است [۳۳، ص ۵]. البته حالتی از تعدد همسر، که در آن یک زن بتواند هم‌زمان بیش از یک شوهر داشته باشد، پدیده‌ای نادر است که فقط در برخی قبایل، مثل

توداهای جنوب هند [۲۵، ص ۴۱۵-۴۱۶] و تبت [۳۰، ص ۳۳]، گزارش شده است. براساس مطالعه‌ای تطبیقی، فقط در چهار جامعه از ۵۶۵ جامعه بررسی شده چندشوهری رایج بوده است؛ یعنی کمتر از یک درصد [۲۵، ص ۴۱۵-۴۱۶]. چندشوهری به دلیل مغایرت آن با کرامت و شخصیت زن و اختلاط نسب و آثار اجتماعی نامطلوب آن در هیچ شریعت آسمانی پذیرفته نشده است و در ملل متمدن نیز رایج نیست. در برخی کشورهای غیرمسلمان آسیای شرقی، چندزنی با شرایط و قیود خاص پذیرفته شده است. این سنت در جامعه عرب پیش از اسلام نیز وجود داشت و بدون هیچ محدودیت و قید و شرطی رایج بود. اسلام با حکم به جواز تعدد زوجات، سنت موجود را امضا کرد و ضمن محدود کردن تعدد زوجات به چهار همسر، قیود و شرایطی برای آن در نظر گرفت [۱۵، ص ۱۸۲-۱۸۳؛ ۲۹، ج ۴، ص ۲۵۷].

اصطلاح چندهمسری از حیث ریشه‌شناسی (اتیمولوژی) تعدد زوج یا زوجه را مشخص نمی‌کند، اما کاربرد تاریخی آن همیشه به مفهوم زناشویی مرد با بیش از یک زن بوده است [۳۶، ص ۵۱۶-۵۱۷].

به‌رحال، آنچه از چندهمسری به ذهن متبادر می‌شود و شکل قانونی به خود می‌گیرد، فقط حالت چندزنی است که در آن به تعدد زوجات و گاه ازدواج مجدد تعبیر می‌شود و مورد نظر این پژوهش نیز همین تعبیر است. بیشتر مردان در جوامعی که تعدد زوجات در آن‌ها رواج ندارد، فقط یک همسر دارند و حق داشتن چند زن اغلب محدود به افرادی است که منزلت والایی دارند و در این‌گونه جوامع معمولاً نسبت جنسی و عوامل اقتصادی مانع از این اتفاق می‌شوند [۳۶، ص ۳۹۳].

در بعضی از کشورها، برای مرد داشتن بیش از یک همسر کاملاً معمول بوده و این امر، چه به لحاظ فرهنگی و چه به لحاظ قانونی، کاملاً پذیرفته شده است. این در حالی است که در بسیاری از کشورهای اروپایی و آمریکایی چندهمسری نه تنها به لحاظ فرهنگی پدیده‌ای مطرود به‌شمار می‌رود، بلکه ممنوعیت قانونی نیز دارد [۲۲: ۸۶-۸۷].

تعدد زوجات در اسلام

در اسلام، تعدد زوجات به دلایل اجتهادی کتاب، سنت، اجماع فقیهان مذاهب اسلامی و سیره قطعی مسلمانان امری پذیرفته شده است [۱۲، ج ۵، ص ۷؛ ۲۱، ص ۳۷۳؛ ۲۶، ص ۳۰۳ و ۳۵۷؛ ۳۲، ص ۲].

در آیاتی از قرآن کریم^۱ به تعدد زوجات اشاره شده است که مهم‌ترین آن آیه سوم سوره نساء است که از نظر مشهور مفسران، مفهوم آیه بر جواز تعدد زوجات تا چهار همسر با رعایت شرایط آن دلالت دارد [۱۵، ص ۱۶۶-۱۶۷؛ ۲۸، ص ۵۱۷].

۱. رک: تحریم/ ۱؛ احزاب/ ۳۲، ۵۰ و ۲۸۶.

بنابراین، ازدواج مجدد با شرایطی مباح است. دو شرطی که در حالت مباح بودن مورد اتفاق فرق مسلمین و فقهای شیعه است، عبارت‌اند از:

- رعایت عدالت بین زنان؛ رعایت مساوات بین زنان و حقوق آنان اعم از نفقه، حسن معاشرت، حق میت و مضاجعت که در کتب فقهی به رعایت حق قسم «رعایت حق مضاجعت و هم‌بستری» زنان تعبیر شده است [۱۲، ج ۹، ص ۶۶۶۹-۶۶۷۰؛ ۱۴، ج ۵، ص ۴۰۴].

از نظر شرعی، جایز نیست کسی به نکاح با زنی اقدام کند، خواه با یک زن و خواه با بیش از یک زن؛ مگر آنکه توان پرداخت هزینه‌های نکاح و توانایی انجام دادن تکالیف آن و استمرار در ادای نفقه واجب زن را داشته باشد و به اصطلاح قدرت بر انفاق داشته باشد [۲۴، ص ۱۲۴].

اما در تعریف مفهوم این شروط و ضمانت اجرای تحقق آن و ضرورت استیذان از دادگاه و اینکه بعد از خروج مرد از عدالت و قدرت بر انفاق پس از ازدواج مجدد چه ضمانت اجرایی وجود دارد، اختلاف نظرهای زیادی بین حقوق دانان و فقها وجود دارد و بدین سبب هریک از کشورهای اسلامی به نحوی کوشیده‌اند از سوء استفاده تعدد زوجات پیشگیری کنند و برای خروج مرد از عدالت تدبیری بیندیشند.

علما حکم جواز تعدد زوجات مستنبط از آیه سوم سوره نساء را فقط رخصتی از ناحیه شریعت می‌دانند و تشویق افراد جامعه به این عمل را جایز نمی‌شمارند، بلکه معتقدند با مشروط کردن آن به اجرای عدالت، باید اشخاص را در صورت بیم از عدم اجرای عدالت از چندهمسری برحذر داشت [۱۳، ص ۱۵؛ ۱۹، ص ۱۶۳-۱۶۵؛ ۲۶، ص ۴۱۹]؛ گرچه برخی از این آیه استحباب تعدد زوجات را فتوا داده‌اند [۱۶، ص ۴۸۲؛ ۳۲، ج ۲۹، ص ۳۵].

البته ضروری است بیان شود که جواز را هم از نوع تکلیفی برشمرده‌اند که به معنای مباح بودن آن است و هم از نوع وضعی که به معنای صحیح و نافذ بودن آن است؛ اگرچه معتقدند مانند هر عمل مباح دیگر ممکن است بر حسب مورد، ذیل یکی از عناوین پنج‌گانه واجب، مستحب، مکروه یا حرام قرار گیرد؛ مثلاً، در صورتی که به دلیل بیماری همسر اول، نیازهای جنسی مرد برآورده نشود و به گناه بیفتد، در این صورت ازدواج مجدد را بر او واجب می‌دانند [۱۰، ص ۱۱-۱۲؛ ۱۲، ص ۱۰؛ ۱۹، ص ۱۶۴].

فقهای همه اعصار و مذاهب اسلامی تنها شرطی را که در تعدد زوجات ضروری دانسته‌اند و بر آن اتفاق دارند، رعایت عدالت می‌دانند و این شرط را با استناد به آیه سوم سوره نساء در باب‌های مختلف کتاب نکاح ذکر کرده‌اند. مفسران و فقیهان «ذلک ادنی الّا تعولوا» را حکمت تشریح دانسته‌اند و معتقدند اساس تشریح در احکام نکاح بر عدل و عدم تجاوز به حقوق دیگران است [۱۳، ص ۲۵؛ ۱۵، ص ۱۸۲].

مفسران شیعه و سنی منظور از عدالت در آیه سوم سوره مبارکه نساء را عدالت در رفتار خارجی و امور مشترک داخلی که در اختیار انسان است، مانند حق قسم و نفقه، دانسته‌اند

[۱۷، ج ۳، ص ۱۱؛ ۲۹، ج ۳، ص ۲۵۵] و آیه ۱۲۹ سوره مبارکه نساء را، که عدالت میان همسران را محال می‌داند، بر اموری که در اختیار انسان نیست، مانند محبت قلبی، حمل کرده‌اند، زیرا در ادامه آیه ذکر شده است که چون نمی‌توانید در میان همسران خود عدالت را مراعات کنید، پس همه تمایلات قلبی خود را متوجه یکی از همسران نکنید تا دیگری بلا تکلیف باقی بماند و بدین طریق کنار گذاشته شود [۱۷، ج ۷، ص ۴۲۱؛ ۲۸، ص ۴۹۱].
 فقهای همه اعصار، مانند مفسران، عدالت را به امور تحت اختیار انسان تفسیر کرده‌اند؛ مثل عدالت در حق یا نفقه [۳، ص ۴۷۹؛ ۱۴، ج ۸، ص ۳۱۱؛ ۱۸، ص ۲؛ ۲۸، ص ۵۱۷].

اصل تک‌همسری در اسلام

زوجیت اساس عالم خلقت و به معنای یکی برای یکی است و این به مفهوم تثنیه، تثلیث و تربیع نیست. ازدواج‌های نامحدود و ازدواج‌های گروهی پس از ظهور اسلام منسوخ شدند. شریعت اسلامی سیستم وحدت زوجه یا تک‌همسری را بر تعدد زوجات یا چندهمسری ترجیح می‌دهد (اعراف/ ۱۸۹).

قرآن کریم به مؤمنان تک‌همسری را توصیه می‌کند و تعدد زوجات، برخلاف آنچه برخی پنداشته‌اند، تنها به‌عنوان یک حکم ثانوی مطرح و قابل فهم است؛ آن هم مشروط به اینکه مرد بتواند عدالت را در حق تمام همسران رعایت کند و هیچ‌یک از آنان را معلق (نه شوهردار و نه بی‌شوهر) نگذارد و در برزخ میان مرگ و زندگی رها نکند [۹، ص ۲۹۰].

بنابراین، به نظر می‌رسد که حکم تعدد زوجات حکمی اضطراری باشد که فقط در مواقع ضرورت می‌تواند به کار رود. همچنین، این نکته که تعدد زوجات نوعی تکلیف است و لذا نمی‌تواند ماهیت حقی داشته باشد، خود بحثی است که درخور تأمل است؛ لذا اسلام هیچ‌گاه خواستار تزلزل بنیان‌های خانواده نبوده است و در خانواده‌های دائمی، که مشکلات حاد در آن‌ها یافت نمی‌شود، این تعدد به نوعی تعرض به حقوق زن نیز است.

تعدد زوجات در حقوق ایران و آسیب‌شناسی تعدد زوجات در قوانین

در ایران، تعدد زوجات رایج نیست و آمار مربوط به اختلاف تعداد زنان متأهل با تعداد مردان متأهل بسیار اندک است.

در سال ۱۳۷۵، این تعداد ۷۸ هزار نفر بوده که نسبت به تعداد کل مردان متأهل ۰٫۶۶ درصد می‌باشد و در سال ۱۳۸۳ تعداد از این کمتر شده است و به ۰٫۳۲ درصد کاهش یافته است [۱۱، ص ۱۶۵].

به باور برخی از حقوق‌دانان، منع تعدد زوجات برای زنان، نشان از اجحاف در حقوق آنان به‌شمار می‌رود [۶، ص ۵۸]. علل تعدد زوجات بسیار متفاوت است. برخی عدم تهذیب نفس،

عدم رعایت حریم در رابطه با افراد نامحرم، اخاذی از مردان متأهل ثروتمند یا نجات خانواده از فقر و فریب و اغفال دختران، نشانه انحطاط اخلاقی در جامعه را از علل آن دانسته‌اند. حال آنکه برخی دیگر مقابله با طلاق، از کارافتادگی جنسی یا جسمی زوجه، ازدواج ناخواسته با همسر اول، مبارزه با فساد اخلاق و رابطه نامشروع را نشانه کارکردهای صحیح این تأسیس حقوقی معرفی کردند [۶، ص ۱۷۸ و ۲۹۰].

تعدد زوجات در قانون مدنی و قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱

در قانون مدنی، مواردی وجود دارد که نشان می‌دهد مرد می‌تواند زنان متعددی بگیرد (مواد ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۴۲ ق.م).^۱ همچنین، از مفهوم مخالف مواد ۱۰۴۸ و ۱۰۴۹ ق.م نیز جواز تعدد زوجات معلوم می‌شود.^۲ در قانون، حدود اختیار مرد معین نشده، ولی عرف و عادت مسلم، که مبتنی بر فقه اسلامی است، در مورد نکاح دائم بیش از چهار زوجه را جایز نمی‌شمرد، که مسلمانان اتفاق نظر دارند، منع نکاح با بیش از چهار زن، که از آیه قرآن^۳ استفاده می‌شود، از ضروریات دین است.

در حقوق موضوعه ایران نیز، تعدد زوجات براساس فقه امامیه پذیرفته شده است، ولی ازدواج دائم بدون ثبت در دفاتر رسمی ازدواج، جرم تلقی می‌شود و در عمل، ثبت ازدواج دائم بعدی منوط به کسب اجازه از دادگاه یا تنفیذ ازدواج دائم غیررسمی به وسیله محاکم صالحه است [۳، ص ۱۵۳-۱۵۴].

ثبت ازدواج الزامی قانونی است، زیرا ماده ۱ قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۰ و ماده ۳۱ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵ حاکی از این است که ازدواج باید به ثبت برسد. تا پیش از تصویب قانون حمایت خانواده، مصوب ۱۳۹۱، ماده ۶۴۵^۴ قانون مجازات اسلامی برای «مردی»^۵ که بدون ثبت، به ازدواج دائم، طلاق و رجوع مبادرت کرده بود، مجازات حبس

۱. ماده ۹۰۰ ق.م: «فرض دو وراثت ربع ترکه است: ... ۲. زوجه یا زوجه‌ها در صورت فوت شوهر بدون اولاد.»
 ماده ۹۰۱ ق.م: «ثمن، فریضه زوجه یا زوجه‌هاست. در صورت فوت شوهر با داشتن اولاد.»
 ماده ۹۴۲ ق.م: «در صورت تعدد زوجات ربع یا ثمن ترکه که تعلق به زوجه دارد بین همه آنان بالسویه تقسیم می‌شود.»

۲. ماده ۱۰۴۸ ق.م: «جمع بین دو خواهر ممنوع است، اگرچه به عقد منقطع باشد.»
 ماده ۱۰۴۹ ق.م: «هیچ‌کس نمی‌تواند دختر برادرزن و یا دختر خواهرزن خود را بگیرد، مگر با اجازه زن خود.»
 ۳. «فانکحوا ما طاب لکم من النساء مثنی و ثلث و ربع» (نساء/ ۳)

۴. ماده ۶۴۵ ق.م: «به منظور حفظ کیان خانواده ثبت واقعه ازدواج دائم، طلاق و رجوع طبق مقررات الزامی است، چنانچه مردی بدون ثبت در دفاتر رسمی مبادرت به ازدواج دائم، طلاق و رجوع نماید به مجازات حبس تعزیری تا یکسال محکوم می‌گردد.»

۵. این ماده با قید «هر مردی» مجازات عدم ثبت را صرفاً متوجه زوج نمود و عاقد را از مجازات معاف کرد. البته مطابق نظر اقلیت قضات، عاقد که به وکالت از طرف زوج اقدام به اجرای صیغه عقد دائم و غیررسمی

تعمیری تا یک سال را در نظر می‌گرفت؛ اما با تصویب قانون حمایت خانواده در سال ۱۳۹۱، ماده ۶۴۵ در ذیل ماده ۱۵۸ این قانون صراحتاً نسخ و مواد ۲۰، ۲۱ و ۴۹ قانون حمایت خانواده جایگزین این ماده شد.

ماده ۲۰ علاوه بر نکاح دائم، ثبت فسخ و انفساخ، طلاق، رجوع و بطلان نکاح یا طلاق را نیز لازم دانسته است. علاوه بر آن، در ماده ۲۱ این قانون ثبت نکاح موقت را با شرایطی چون بارداری زوجه، توافق طرفین و شرط ضمن عقد بودن آن، الزامی می‌داند. ماده ۴۹ نیز همانند ماده ۶۴۵ ق.م.ا برای «مردی» که بدون ثبت در دفاتر رسمی به ازدواج دائم، طلاق یا فسخ نکاح و رجوع اقدام می‌کند و تا یک ماه آن را ثبت نمی‌کند، همچنین در مواردی که ثبت نکاح موقت الزامی است و موارد انفساخ نکاح یا بطلان طلاق و نکاح، از ثبت آن خودداری می‌کند، علاوه بر الزام به ثبت واقعه، پرداخت جزای نقدی^۵ یا حبس تعزیری^۶ را در نظر گرفته است.

می‌نماید، «معاون در بزه» محسوب می‌شود و طبق قانون قابل تعقیب و مجازات می‌باشد [۲۷، ص ۲۵]. اما کمیسیون قضات معتقد است این ماده منحصرأً زوج را قابل تعقیب دانسته و تصریح به جرم بودن عمل عاقد نکرده است. لذا به تبع اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، عمل عاقد را نمی‌توان جرم و مستوجب مجازات دانست [۲۷، ص ۲۶].»

۱. ماده ۵۸ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱: «از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون، قوانین زیر نسخ می‌گردد...»

۹. مواد (۶۴۲)، (۶۴۵) و (۶۴۶) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، ۳۲

۲. ماده ۲۰ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱: «ثبت نکاح دائم، فسخ و انفساخ آن، طلاق، رجوع و اعلام بطلان نکاح یا طلاق الزامی است.»

۳. ماده ۲۱ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱: «نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران در جهت محوریت و استواری روابط خانوادگی، نکاح دائم را که مبنای تشکیل خانواده است مورد حمایت قرار می‌دهد. نکاح موقت نیز تابع موازین شرعی و مقررات قانون مدنی است و ثبت آن در موارد زیر الزامی است: ۱. بارداری زوجه؛ ۲. توافق طرفین؛ ۳. شرط ضمن عقد.»

تبصره - ثبت وقایع موضوع این ماده و ماده ۲۰ این قانون در دفاتر اسناد رسمی ازدواج یا ازدواج و طلاق مطابق آیین‌نامه‌ای است که ظرف یک سال با پیشنهاد وزیر دادگستری به تصویب رئیس قوه قضاییه می‌رسد و تا تصویب آیین‌نامه مذکور، نظام‌نامه‌های موضوع ماده (۱) اصلاحی قانون راجع به ازدواج مصوب ۱۳۱۶، ۲۲۹ کماکان به قوت خود باقی است.

۴. ماده ۴۹ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱: «چنانچه مردی بدون ثبت در دفاتر رسمی به ازدواج دائم، طلاق یا فسخ نکاح اقدام یا پس از رجوع تا یک ماه از ثبت آن خودداری یا در مواردی که ثبت نکاح موقت الزامی است از ثبت آن امتناع کند، ضمن الزام به ثبت واقعه به پرداخت جزای نقدی درجه پنجم و یا حبس تعزیری درجه هفت محکوم می‌شود. این مجازات در مورد مردی که از ثبت انفساخ نکاح و اعلام بطلان نکاح یا طلاق استنکاف کند نیز مقرر است.»

۵. جزای نقدی درجه ۵ مطابق با قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ عبارت است از: «جزای نقدی بیش از هشتاد میلیون (۸۰،۰۰۰،۰۰۰) ریال تا یکصد و هشتاد میلیون (۱۸۰،۰۰۰،۰۰۰) ریال.»

۶. حبس تعزیری درجه ۷ مطابق با قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ عبارت است از: «حبس از نود و یک روز تا شش ماه.»

بنابراین، اگر مردی قصد ازدواج مجدد دائم داشته باشد، متقاضی باید ضمن تعیین وقت رسیدگی، تقاضانامه‌ای را در دو نسخه به دادگاه تسلیم و علل و دلایل تقاضای خود را در آن قید کند که یک نسخه از آن به همسر او ابلاغ خواهد شد. دادگاه با انجام دادن اقدامات ضروری مثل تحقیق از زن فعلی و احراز توانایی مالی مرد و اجرای عدالت او در رابطه با آنچه در بند ۱ ماده ۱۶ ق.ح.خ آمده است، اجازه اختیار همسر جدید را خواهد داد [۲۰، ص ۶۸۰].

تعدد زوجات در قانون حمایت از خانواده ۱۳۵۳

براساس مواد ۱۶ و ۱۷ قانون حمایت خانواده، مصوب ۱۳۵۳، مرد نمی‌توانست با داشتن زن، همسر دیگری اختیار کند، مگر در یکی از موارد ذیل:

۱. رضایت همسر اول؛
۲. عدم قدرت همسر اول به ایفای وظایف زناشویی؛
۳. عدم تمکین زن از شوهر؛
۴. ابتلای زن به جنون یا امراض صعب‌العلاج؛
۵. محکومیت زن به برخی مجازات‌ها؛
۶. ابتلای زن به اعتیاد مضر؛
۷. ترک زندگی خانوادگی از طرف زن؛
۸. عقیم‌بودن زن؛
۹. غایب و مفقودالاثر شدن زن.

طبق این قانون، متقاضی ازدواج مجدد مراحل را طی می‌کند و اجازه ازدواج مجدد را از دادگاه می‌گرفت. بدین ترتیب، مواد ۱۶ و ۱۷ قانون حمایت از خانواده، مواد قانون مدنی را که در آن هیچ اشاره‌ای به ازدواج مجدد نشده بود، تکمیل کرد. لذا مقررات قانون حمایت از خانواده در کنار قانون مدنی در خصوص ازدواج مجدد عملاً به کار گرفته می‌شد.

پس از انقلاب و تشکیل نظام جمهوری اسلامی، با توجه به اصل ۴ قانون اساسی، که کلیه مقررات حاکم باید موافق شرع اسلام باشد، شورای نگهبان برخی قوانین سابق را باطل اعلام کرد، اما در خصوص مواد قانون حمایت خانواده، مصوب ۱۳۵۳، شورای نگهبان نظر صریحی که حاکی از عدم انطباق این مقررات با مقررات اسلامی باشد، صادر نکرد؛ جز در مورد ماده ۱۷^۱ آن

۱. متقاضی باید تقاضانامه‌ای در دو نسخه به دادگاه تسلیم و علل و دلایل تقاضای خود را در آن قید کند. یک نسخه از تقاضانامه ضمن تعیین وقت رسیدگی به همسر او ابلاغ خواهد شد. دادگاه با انجام اقدامات ضروری و در صورت امکان تحقیق از زن فعلی و احراز توانایی مالی مرد و اجرای عدالت در مورد بند یک ماده ۱۶ اجازه اختیار همسر جدید خواهد داد.

که برای ازدواج مجدد مرد شرایطی را مقرر کرده بود و تخلف از آن را موجب مجازات می‌دانست. براساس نظریه مورخ ۱۳۶۳/۵/۹، شورای نگهبان این مجازات را خلاف شرع تشخیص داد و در نتیجه اینک این مجازات جنبه قانونی ندارد.^۱

بنابراین، به نظر می‌رسد اگرچه برخی حقوق‌دانان معتقدند سایر مواد قانون حمایت خانواده نسخ نشده است و همچنان اعتبار دارد، دادگاه عملاً ماده ۱۶ و ۱۷ قانون حمایت از خانواده را اجرا نمی‌کند. علاوه بر اینکه با بررسی برخی قوانین مصوب پس از پیروزی انقلاب می‌توان به نسخ ضمنی مواد دیگر قانون حمایت خانواده در تعدد زوجات قائل شد.

برخی حقوق‌دانان معتقدند مشروعیت چندهمسری از نظر قرآن موقوف به اجرای عدالت است و احراز این توانایی امری است که اگر بدون دخالت دستگاه قضایی انجام گیرد، با توجه به اینکه قصد انتفاع خود مرد در میان است، ممکن است با دقت انجام نگیرد. بنابراین، لازم است موادی نظیر مقررات قانون حمایت خانواده برای تنظیم مسئله ازدواج مجدد و از جمله احراز عدالت مرد به تصویب برسد و با توجه به اینکه برای احراز عدالت در ازدواج مجدد مرد، هیچ‌کس به اندازه زن اول صلاحیت تشخیص آن را ندارد، می‌توان مقرراتی در این جهت تنظیم و این‌گونه مسائل مالی و حقوقی را به دادگاه واگذار کرد [۸، ص ۱۶].

قانون حمایت از خانواده به منظور رسیدگی به اختلافات مدنی و دعاوی خانوادگی در تاریخ ۱۳۵۳/۱۱/۱۵ در ماده ۲۸ تصویب شد و در زمان تصویب آن موافقان و مخالفان نظرهای گوناگونی ابراز کردند. ماده ۸ این قانون، که پس از تصویب برای تأکید و توجه بیشتر در سند ازدواج وارد و نوشته و در ۱۴ بند و یک تبصره تنظیم شده است، از مواردی است که به روشنی در ۱۴ بند از حقوق و تکالیف زن و شوهر سخن گفته و انجام‌نشدن آن از سوی زن و مرد را، سبب مراجعه آن‌ها به دادگاه و در نهایت صدور حکم عدم امکان سازش می‌داند.

در بند ۱۰ این ماده، اختیار کردن همسر دیگری توسط زوج، یا احراز عدم اجرای عدالت مرد درباره همسران از مواردی است که موجب صدور حکم عدم امکان سازش توسط دادگاه است.^۲

به هر حال، در تمام موارد مذکور این حق برای همسر اول باقی است که اگر بخواهد تقاضای گواهی عدم امکان سازش از دادگاه بنماید.

هرگاه مردی با داشتن همسر بدون تحصیل اجازه دادگاه مبادرت به ازدواج نماید، به حبس جنحه‌ای از شش ماه تا یک سال محکوم خواهد شد. همین مجازات مقرر است برای عاقد و سردفتر ازدواج و زن جدید که عالم به ازدواج سابق مرد باشند. در صورت گذشت همسر اولی، تعقیب کیفری یا اجرای مجازات فقط درباره مرد و زن جدید موقوف خواهد شد.

۱. نظر فقهای شورای نگهبان در مورد ماده ۱ قانون ازدواج و ماده ۱۷ قانون حمایت خانواده: بند سوم نظریه: مجازات متعاقبین و عاقد در عقد ازدواج غیررسمی مذکور در ماده ۱ قانون ازدواج و ازدواج مجدد مذکور در ماده ۱۷ قانون حمایت خانواده شرعی نیست (نظریه شماره ۱۴۸۸-۱۳۶۳/۵/۹).

۲. در موارد زیر، زن یا شوهر حسب مورد می‌تواند از دادگاه تقاضای صدور گواهی عدم امکان سازش نماید و

در تبصره این ماده آمده است: طلاق که به موجب این قانون و براساس گواهی عدم امکان سازش واقع شود، فقط در صورت توافق کتبی طرفین در زمان عده قابل رجوع است.^۱ [۳۱، ص ۱۰-۱۲].

تعدد زوجات در رویه قضایی

پس از انقلاب اسلامی، در عمل برخی از محاکم خانواده به هیچ ماده‌ای از مواد قانون حمایت خانواده و برخی فقط به مواد ۱۶-۱۷ و برخی دیگر به مجازات‌های مقرر در آن استناد نمی‌کنند؛ درحالی‌که برخی دادخواست‌های تمکین زوجه همراه با درخواست اجازه ازدواج مجدد از دادگاه خواسته می‌شود و برخی از این دادخواست‌ها به جهت عدم توانایی مالی شوهر رد می‌شود؛ ولی برخی از ازدواج‌های مجدد، بدون اجازه دادگاه و مخفیانه و بدون ثبت یا بعضاً ثبت غیرقانونی انجام می‌شود. به هر حال، هیچ رویه ثابتی در این موضوع وجود ندارد، اما با توجه به نظر شورای نگهبان قانون حمایت خانواده و مواد ۱۶-۱۷ آن لازم‌الاجراست و فقط مجازات مندرج در آن نسخ شده است.

این شروط بدون قید ضمانت اجرا و فقط با تعیین مجازات کیفری یا مشابه آن برای افرادی که خارج از عدالت رفتار می‌کنند، بی‌فایده است. درحالی‌که نمی‌توان این ازدواج را باطل و فرزندان آنان را نامشروع دانست [۲۰، ص ۱۲۱]. بنابراین، برای کسانی که بدون شرایط به تعدد زوجات اقدام می‌کنند، باید تدبیری اندیشیده شود.

بررسی آماری- کاربردی تعدد زوجات

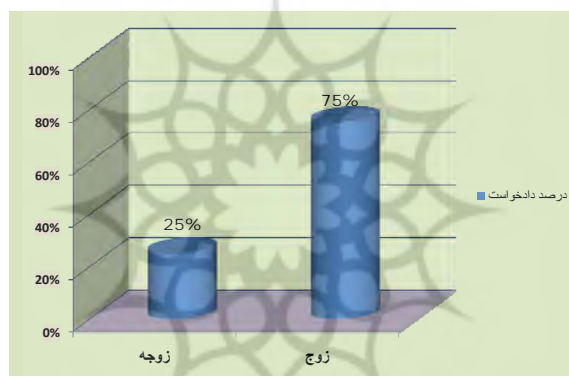
این بخش، به بررسی آماری بر روی تعدادی از پرونده‌های تعدد زوجات می‌پردازد. در این تحلیل به علل تقاضای مردان برای کسب اجازه تجدید فرآش از دادگاه، دلایل همسران اول این مردان برای طلاق و آرا و مستندات محاکم در این موارد توجه شده است. البته باید به این نکته توجه داشت که کاستی تقاضاهای طلاق نسبت به مجوزهای ازدواج مجدد نمی‌تواند به معنای رضایت همسران اول از وضع موجود یا برقراری شرایط مطلوب برای آن‌ها باشد، زیرا تقریباً ۷۰ درصد این زنان فرزند مشترک با همسر مذکور داشته‌اند که نگرانی از آینده فرزندان و جدایی از آن‌ها مانعی مهم بر سر راه تقاضای طلاق همسران اول است.

در صورت احراز آن، موارد گواهی عدم امکان سازش صادر خواهد کرد: ۱۰. هرگاه زوج همسر دیگری اختیار کند یا به تشخیص دادگاه نسبت به همسران خود اجرای عدالت ننماید.

۱. تبصره ماده ۸ قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳: طلاق که موجب این قانون و براساس گواهی عدم امکان سازش واقع می‌شود، فقط در صورت توافق کتبی طرفین در زمان عده قابل رجوع است.

همچنین، این بررسی جامعه آماری محدودی را دربر گرفت که با توجه به آمار کم تعدد زوجات، کاستی دسترسی به پرونده‌های آن قابل پذیرش است. آمارها نشان می‌دهند که مسئله تعدد زوجات مبتلا به جامعه ایرانی نیست. براساس آمار حاصل از سرشماری کل جمعیت ایران- و نه تنها یک جامعه آماری خاص- فقط ۰/۳۳ درصد از مردان ایرانی همسر دوم اختیار کرده‌اند.

تحلیل پرونده‌های ازدواج مجدد^۱



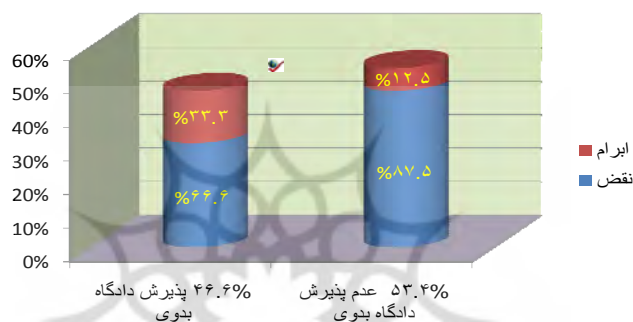
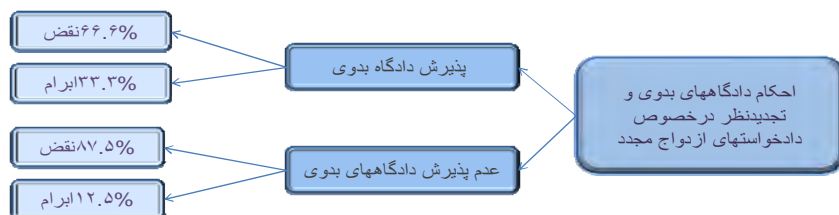
نمودار ۱

تحلیل نمودار ۱

- از میان پرونده‌های بررسی شده، ۷۵ درصد با دادخواست مرد به منظور کسب اجازه از دادگاه جهت ازدواج مجدد آغاز شده و ۲۵ درصد دیگر با دادخواست طلاق زنی که همسرشان قبلاً به ازدواج مجدد اقدام کرده، به جریان افتاده‌اند.
- با نگاهی آسیب‌شناسانه به این مسئله، می‌توان این‌طور تحلیل کرد که اگرچه مردان با کسب اجازه از دادگاه و طبیعتاً ارائه دلیلی متقن این جواز را کسب کرده‌اند، برخی از زنان توان ادامه زندگی این‌چنینی را ندارند. لذا با همین دلیل به دادگاه مراجعه می‌کنند. به نظر می‌رسد

۱. نتایج بررسی روی ۲۰ پرونده، مربوط به سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۷۹، منبع: سی‌دی بانک اطلاعات آراء دادگاه‌ها و نظریات مشورتی، نگارش ۴/۲، زمستان ۱۳۸۴.

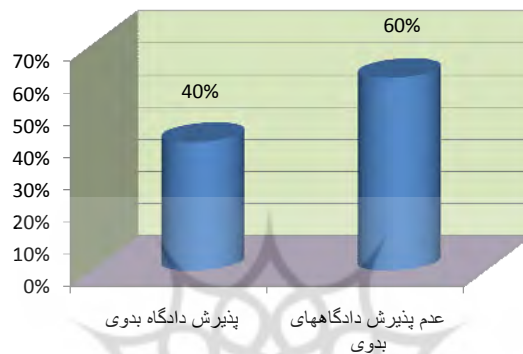
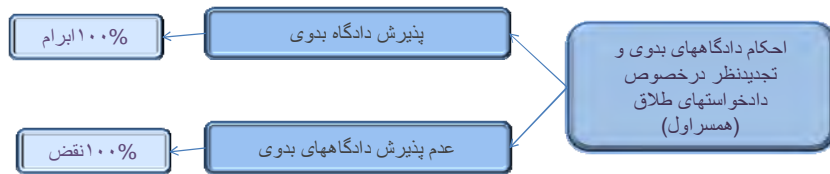
که پیش‌زمینه چنین عملی رعایت نکردن عدالتی باشد که مد نظر شارع برای امضای حکم ازدواج مجدد بوده است. بنابراین، کاملاً مبرهن است که در این بین دایره‌های معیوب تشکیل خواهد شد که در نهایت به اضمحلال یکی از خانواده‌ها می‌انجامد.



نمودار ۲

تحلیل نمودار ۲

- ۴۶٫۶ درصد از مجموع پرونده‌های بررسی شده، که در آن‌ها زوج خواهان اجازه ازدواج مجدد بوده است، موفق به کسب این اجازه در مرحله بدوی شده‌اند که از این میان فقط ۳۳٫۳ درصد در مرحله تجدید نظر ابرام و بقیه، یعنی ۶۶٫۶ درصد نقض شده‌اند.
- همچنین، از ۵۳٫۴ درصد پرونده‌ای که در مرحله بدوی موفق به کسب اجازه نشده‌اند، ۸۷٫۵ درصد نقض و ۱۲٫۵ درصد ابرام شده‌اند.



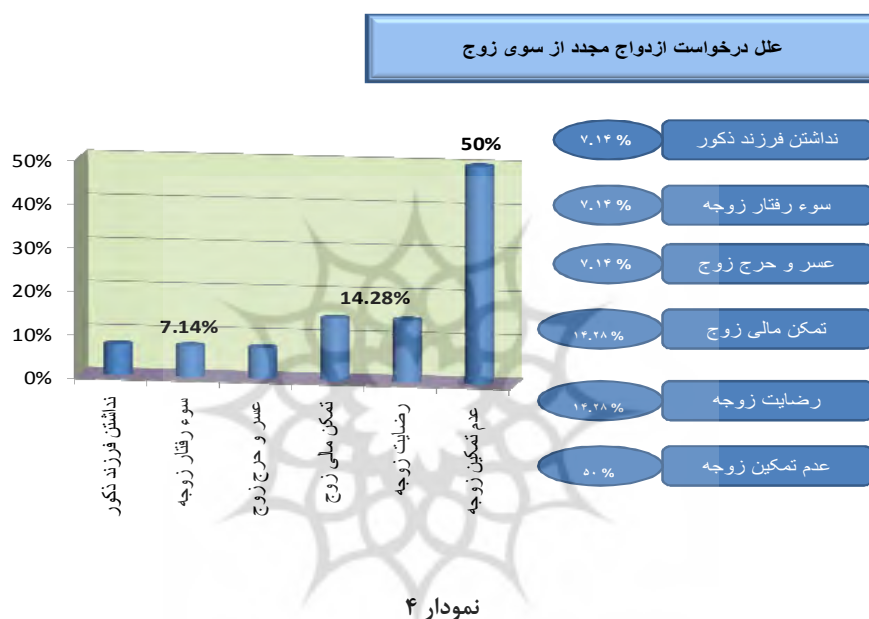
نمودار ۳

تحلیل نمودار ۳

• ۴۰ درصد از دادخواست‌های همسران اول برای طلاق در دادگاه بدوی پذیرفته شده و ۶۰ درصد بقیه رد شده‌اند که همه آرای بدوی مبنی بر قبول خواسته ایشان ابرام و همه آرای مبنی بر رد خواسته این زنان نقض شده‌اند.

مداقه در اینکه نزدیک به نیمی از زنانی که همسرانشان به ازدواج مجدد مبادرت ورزیده‌اند می‌توانند در دادخواست طلاق خویش موفق شوند خود محل تأمل است. علت نیز از آن‌روست که این زنان یا باید توانسته باشند ازدواج مجدد شوهرانشان را بدون کسب اجازه از دادگاه تأیید کنند یا آنکه با فرض وجود اذن، توانسته باشند عسر و حرج پیش‌آمده را به اثبات برسانند. بدین ترتیب، از آن‌رو که فرض اول به دلیل وجود جنبه‌های کیفری بسیار بعید به نظر می‌رسد، می‌توان قوت بیشتری را برای فرض دوم در نظر داشت. سؤالی که ممکن است این بین به ذهن متبادر شود آن است که با توجه به آنکه زوج حق طلاق زوجه را در صورت ازدواج مجدد خود در نکاح‌نامه به رسمیت شناخته است، چرا زوجه باید به عسر و حرج پیش‌آمده نیز اشاره کند؟ البته که در این نمودار قابل تحلیل نیست که چه میزان از درخواست‌های پذیرفته‌شده زنان همراه با عسر و حرج در دادگاه مطرح شده است، اما به نظر می‌رسد اشاره به حق طلاق زنانی که ۶۰ درصد درخواست‌هایشان در دادگاه بدوی نقض شده است پاسخ مناسبی به این سؤال

باشد. به دیگر سخن، همه آن زنان چنین حقی دارند و حال آنکه این مسئله در نظر دادگاه اهمیت ندارد. البته می‌توان این‌طور ادعان داشت که در مواردی که شوهر به کسب اجازه از دادگاه برای مبادرت به ازدواج مجدد موفق می‌شود، این حق طلاق زوجه قابل بحث نیست. این مسئله نیز در جای خود وجوه بسیار دارد و به نظر می‌رسد این نوع نگرش قانون‌گذار، با توجه به آنکه شروط ضمن عقد نکاح در زمره توافقات شخصی افراد است و شرط مزبور نیز حاوی ناشزه‌بودن یا ناشزه‌نبودن یا دیگر مشکلات زوجه نیست، خود محل تأمل باشد.

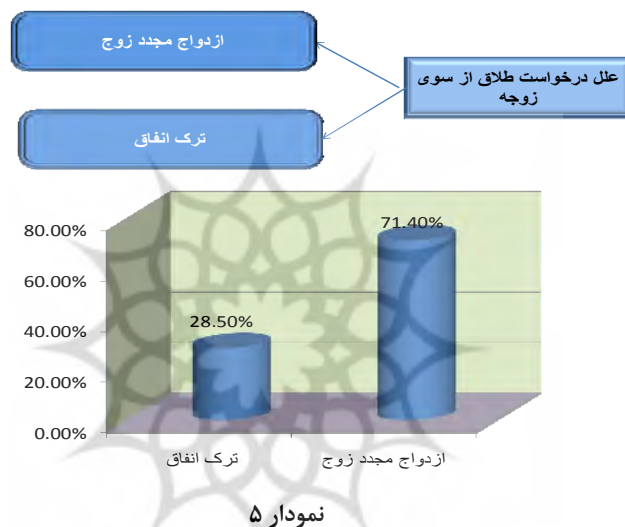


تحلیل نمودار ۴

• بین ادله‌ای که مردان برای کسب اجازه مطرح کرده بودند، عدم تمکین زوجه بیش از همه مورد ادعا قرار گرفته بود. به گونه‌ای که تقریباً در ۵۰ درصد پرونده‌ها یکی از دلایل زوج برای تمایل به ازدواج مجدد همین امر بود. پس از آن، تمکن مالی زوج با ۱۴/۲۸ درصد، رضایت زوجه بر اثر کهولت سن و عدم قدرت وی بر ایفای وظایف زناشویی با ۱۴/۲۸ درصد، نداشتن پسر از همسر اول و سوء رفتار زوجه و عسر و حرج زوج هریک با ۷/۱۴ درصد مستمسک زوج برای اخذ اجازه از دادگاه بودند.

آنچه در این نمودار درخور تأمل است، آن است که ناشزه‌بودن زوجه و عدم تمکین خاص او از زوج بالاترین میزان افزایش تمایل مرد به ازدواج مجدد را داراست. اما آنچه قابلیت تبیین را از این منظر ندارد، فرایندی است که در ناشزه‌شدن زوجه مؤثر بوده است. بنابراین، صرف اثبات

این امر در دادگاه اگرچه به لحاظ قانونی درست است، به لحاظ روان‌شناختی محل تأمل است. این در حالی است که دادگاه ناشزه‌بودن زن را در مواردی که دلایل صحیحی همچون بیماری مسری زوج علت آن باشد، تأیید نمی‌کند، اما، با این حال، اهمیت انجام‌دادن پژوهش‌های روان‌شناختی در این بین حلقه مفقوده این قبیل پرونده‌هاست. چه‌بسا جلسات روان‌شناسی و مشاوره برای این زنان و حل این مشکل از ریشه بیشتر با پایداری خانواده در ترادف باشد تا ارائه مجوز به زوج برای ازدواج مجدد. همچنین، با توجه به وجود نهاد مشاوره تخصصی در پرونده‌های طلاق توافقی به نظر نمی‌رسد که قوه قضاییه در تحقق این فرضیه ناتوان باشد.

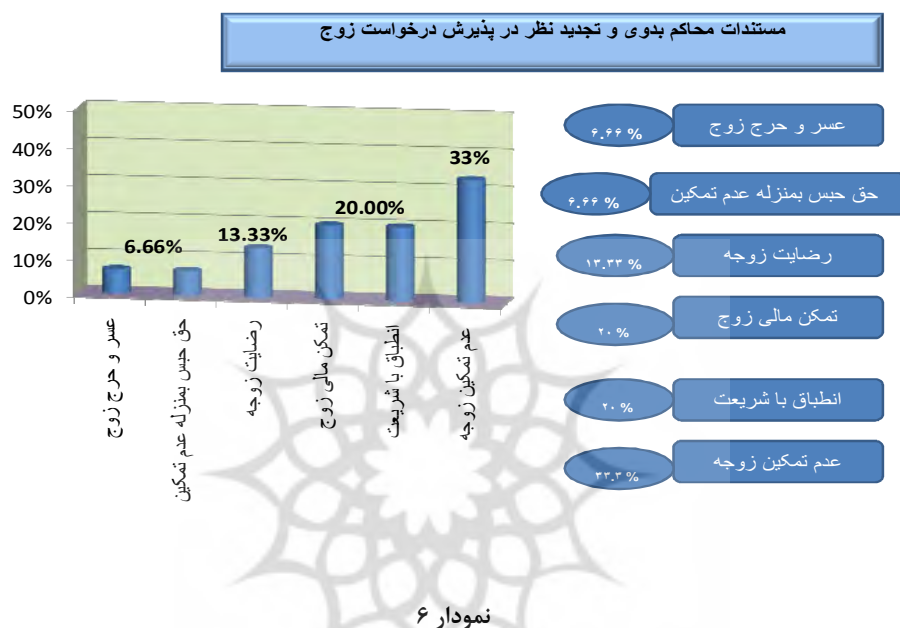


تحلیل نمودار ۵

- از میان ادله‌ای که زنان برای خواسته خود مطرح کرده‌اند، سوء رفتار زوج و ازدواج مجدد شوهر در ۷۱/۴۰ درصد پرونده‌ها مورد ادعا قرار گرفته بودند. ترک نفقه از طرف شوهر پس از ازدواج مجدد وی، فقط در ۲۸/۵۰ درصد پرونده‌ها از سوی زنان به‌منزله یکی از دلایل تقاضای طلاق مطرح شده بود.

این نمودار، که درخور تأملی عمیق است، می‌تواند جنبه‌های روان‌شناختی بسیاری نیز داشته باشد. به دیگر سخن، تعلیق زن به لحاظ ترک انفاق در واقع ارزش بسیار کمتری نسبت به تعلیق او به لحاظ عاطفی در بردارد. این در حالی است که قائلان به ازدواج مجدد رعایت عدالت در انفاق را شرط کافی می‌دانند و عدالت عاطفی را غیر قابل امکان می‌پندارند و خود اذعان می‌کنند این عدم عدالت به‌صورت ناخودآگاه رخ خواهد داد و آیه ۱۲۹ سوره مبارکه نساء را نیز

اماره‌ای بر صحت گفته‌ی خویش می‌پندارند. اما این در حالی است که همین عامل، اضمحلال خانواده‌ی اول را در اکثریت قریب به اتفاق مواقع به دنبال دارد و لذا می‌تواند به‌منزله‌ی شکل جدیدی از تعلیق، حتی در قانون، نیز نمود یابد، زیرا معاضدت و خوش‌رفتاری از حقوق زوجه و از تکالیف زوج است.

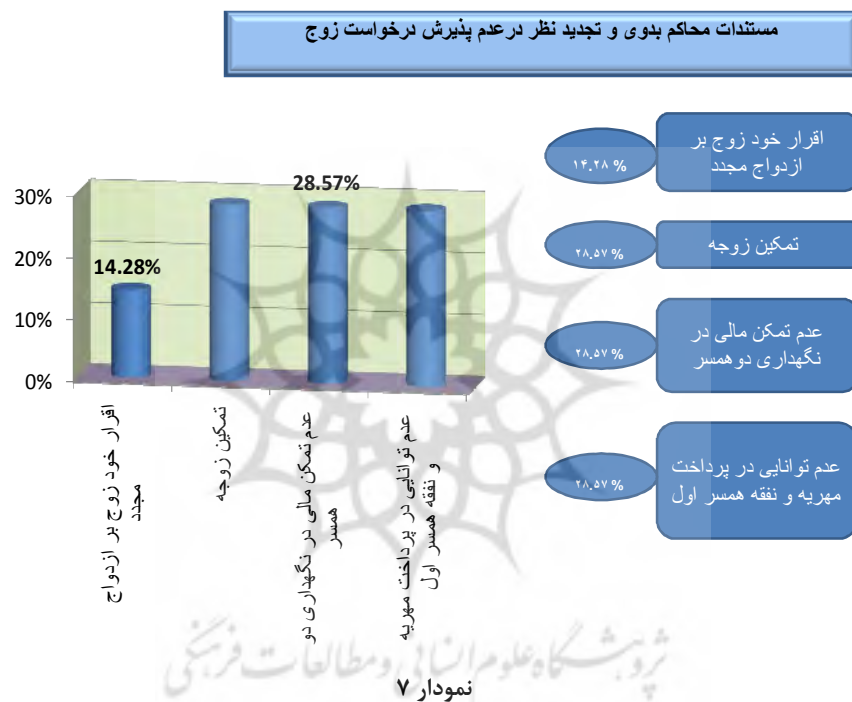


تحلیل نمودار ۶

- دادگاه بدوی و تجدید نظر ۳۳ درصد اجازه‌های ازدواج مجدد را به دلیل عدم تمکین زوجه صادر کرده است. همچنین، تمکن مالی زوج و مطابق دانستن این حق با شریعت مستند، هریک ۲۰ درصد این جوازها و مشقت نداشتن رابطه‌ی زناشویی برای زوج و حق حبس زوجه، هریک مستند ۶/۶۶ درصد دیگر آن‌ها بوده است.

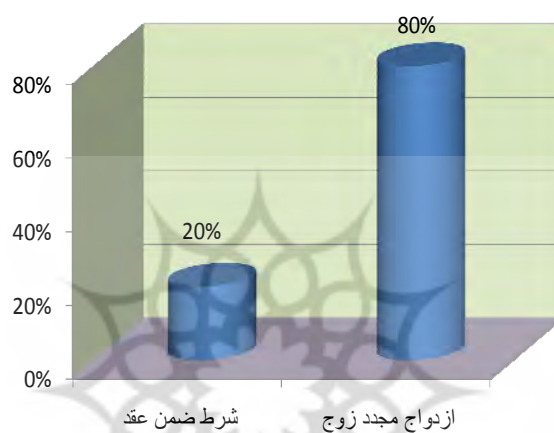
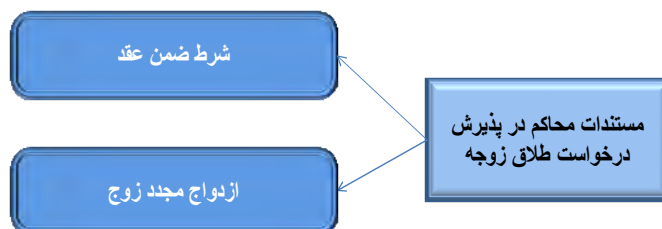
این نمودار، که در واقع تکمیل‌کننده‌ی نمودار چهارم است، باز هم علت اصلی برای ازدواج مجدد را عدم تمکین خاص زوجه می‌داند و لذا بیش از این اطالعه کلام در این بحث صورت نمی‌گیرد. اما نکته‌ای که درخور تأمل است، اشاره به تمکن مالی زوج است که خود به‌تنهایی عاملی برای ازدواج مجدد است و به نظر می‌رسد برای خانواده‌ی اول همچون شمشیری دولبه نقش ایفا کرده است، زیرا از یک لحاظ به رفاه خانواده انجامیده است و از لحاظ دیگر به اضمحلال و نابودی آن ختم شده است. همچنین، به نظر می‌رسد صرف داشتن تمکن مالی

نمی‌تواند حتی به لحاظ شرعی دلیل مناسبی برای ازدواج مجدد زوج باشد. این امر با آنچه مد نظر شریعت در امضای این حکم بوده است نیز تناسب ندارد، زیرا وجود دختران یا زنان یتیم و بی‌سرپرست و نیاز طبیعی آن‌ها به ازدواج بود که اول بار دلیلی مهم برای ازدواج مجدد زوج معرفی شد و اگرچه این ازدواج مترادف با تمکن مالی هم است، با توجه به آنکه این امر پیرو حمایت از افراد بی‌سرپرست است، نباید به‌عنوان دلیل اصلی بیان شود و درواقع به معلولی تبدیل شود که جایگاه علت را از آن خود کرده است.



تحلیل نمودار ۷

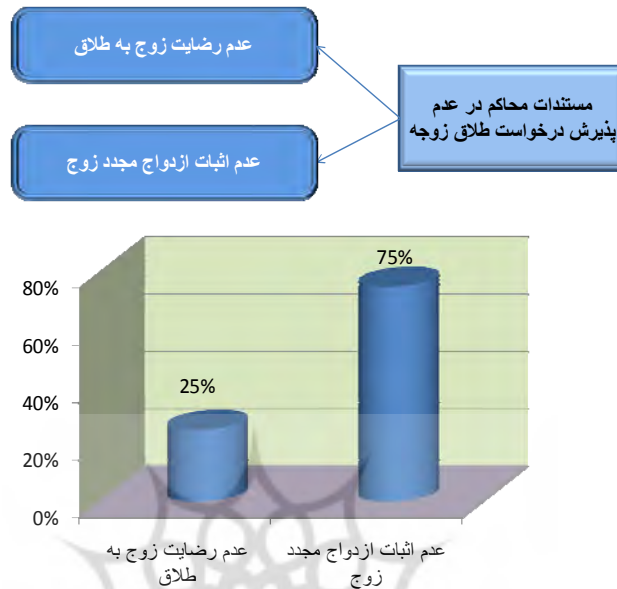
- در ۲۸،۵۷ درصد موارد، زوج به دلیل نداشتن هریک از این موارد: تمکن مالی، ناتوانی زوج در پرداخت مهریه همسر اول، تمکین همسر اول، از کسب اجازه ازدواج مجدد ناکام مانده است. در ۱۴،۲۸ درصد پرونده‌ها، اقرار خود زوج بر ازدواج مجدد، دلایل مخالفت دادگاه بدوی و تجدید نظر با خواسته زوج بوده‌اند.



نمودار ۸

تحلیل نمودار ۸

- دادگاه در ۲۰ درصد موارد به دلیل شرط ضمن عقد مندرج در نکاح‌نامه و در ۸۰ درصد موارد دیگر به علت عسر و حرج همسر اول به دلیل ازدواج مجدد زوج، خواسته او را برای طلاق پذیرفته است.



نمودار ۹

تحلیل نمودار ۹

- در ۷۵ درصد موارد، دادگاه بدوی و تجدید نظر به دلیل ثابت نشدن عسر و حرج همسر اول (عدم اثبات ازدواج مجدد زوج) و در ۲۵ درصد موارد نیز به علت امتناع زوج از طلاق، با خواسته طلاق زوجه مخالفت کرد.

یافته‌های پژوهش

نمودارهای یادشده هر یک نکات ارزنده‌ای را دربرداشتند و برخی مکمل یکدیگر بودند؛ مثلاً، سه نمودار اخیر با نمودارهای قبلی، که تحلیل آسیب‌شناسانه شدند، هم‌پوشانی داشت. با این حال، باید به این مسئله اشاره داشت که در خصوص تدوین قوانین جدید نسبت به موضوعاتی مانند تعدد زوجات، به صورت دائم یا موقت، به دلیل حساسیت‌زایی و جنجال‌پذیری، برخی افراد معتقدند باید از طرح چنین موضوعاتی در جامعه اجتناب کرد و تصور بر این است که چنین مسائلی را باید به حال خود رها کرد و نادیده انگاشت. آن‌ها عقیده دارند که طرح و صورت قانونی دادن به این مسئله اهمیت آن را برجسته و به شیوع این پدیده کمک می‌کند.

دلایلی را که این دسته از افراد برای نظر خود مبتنی بر توقف بحث در تعدد زوجات دارند

می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

نخست آنکه تعدد زوجات از شبهاتی است که مخالفان دین اسلام در مجامع بین‌الملل از آن سود جسته و بدین طریق سعی در تخریب چهره مقدس شریعت در اذهان عمومی دارند و این در حالی است که حکم تعدد زوجات توسط اسلام تأسیس نشده است، بلکه مورد امضا واقع شده و سپس به قیودی محدود شده که ماهیت آن‌ها را نسبت به آنچه در جامعه جاهلی رخ می‌داده بسی عادلانه‌تر کرده است. لذا سخن راندن از تعدد زوجات، به این شبهات و شایعه‌پراکنی‌ها (که اسلام دینی است که حقوق زنان را نفی نموده و زیر پا می‌نهد)، دامن می‌زند. طرح این بحث در حقوق ملت، که در واقع آینه فرهنگ آن کشور است، نیز ابزاری در همین مسیر است. لذا مسکوت‌ماندن بحث سودمندتر است.

دوم نیز آنکه با توجه به آمار پایین ازدواج در جامعه امروزی و سخت‌تر شدن شرایط اقتصادی، تعدد زوجات نیز، که متضمن داشتن شرایط خاص مالی در کنار مشکلات خانوادگی است، به خودی خود کاهش می‌یابد و با کم‌رنگ‌شدنش در عرف امکان حذف آن از فرهنگ جامعه وجود دارد. اما بحث کردن بر سر آن از فراموش شدن ناخودآگاه آن ممانعت می‌کند.

و سوم نیز آنکه بسیاری از افراد به دلیل کمبود اطلاعات در زمینه‌های حقوقی و به تبع آن ناآگاهی از شرایط تعدد زوجات، به آن مبادرت نمی‌ورزند، حال آنکه توسعه این بحث و ورود مستقیم در تألیفات و بالاخص متون حقوقی ممکن است میزان آگاهی افراد بی‌اطلاع را نیز افزایش دهد و برای آن‌ها همچون یک عامل تشویقی عمل کند.

دلایل یادشده اگرچه از جهاتی درخور تأمل است، نمی‌تواند صحیح فرض شود. علت این خلط نیز آن است که ازدواج مجدد زوج و ترک زندگی خانوادگی، لزوم توجه فوری و ضروری مراجع قانون‌گذاری مثال نقضی برای ادله مذکور است و لزوم تدوین ماده یا مواد قانونی را در این باب دوچندان می‌کند. دوم نیز آنکه مسکوت‌ماندن این بحث نمی‌تواند در ترداد با فراموشی آن باشد، زیرا هرچند ممکن است امری از فرهنگ عموم جامعه حذف شود، به دلیل داشتن زمینه‌هایی در دین موضوع هر لحظه امکان بروز مجدد را دارد و این در حالی است که به لحاظ شرعی نیز نمی‌توان ایراد یا انتقادی بدان وارد دانست.

همچنین، این شیوه برخورد به نظر متضمن نوعی ضعف شریعت در پاسخ‌گویی به مسائل و شبهات مطروحه است. در هر حال، این یک واقعیت است که حکم تعدد زوجات، البته با داشتن قیودی و نه نامحدود و بی‌قید و شرط، در متن دین پذیرفته شده است. بنابراین، قطعاً حکمتی دارد که بعضاً عقول بشری را یاری فهم آن نیست. بنابراین، بهتر آن است که با تدوین قوانین درست از سوءاستفاده از آن جلوگیری شود تا بدین طریق هم پاسخ‌گویی مناسبی در برابر شبهات انجام پذیرد و هم از سوءاستفاده‌های احتمالی آن در سطح جامعه ممانعت به عمل آید.

در خصوص واکاوی پرونده‌های مطرح‌شده در پژوهش، نکته حائز اهمیت آن بود که دلیل غالب تقاضای زوج در دادخواست‌های ازدواج مجدد، عدم تمکین زوجه است. آنچه مشهود است

و باید مورد توجه قرار گیرد، آن است که در جامعه ایرانی با توجه به بافت و فرهنگ جامعه و عدم پذیرش عنوان مطلقگی زنان از سوی خانواده‌ها و عدم امکان بازگشت اکثر زنان به خانواده پدر و مادری خود، همچنین نبود امنیت لازم برای زنان مطلقه در فضای کار و اجتماع، ترک زندگی و عدم تمکین از زوج برای زنان اغلب در شرایط عسر و حرج آن‌ها و ممکن نبودن تحمل شرایط زندگی اتفاق می‌افتد، لذا با آنکه عدم تمکین زوجه مهم‌ترین دلیل شرع و قانون برای کسب اجازه ازدواج مجدد است و بیشترین دلیل مردان در طرح این دادخواست نیز است، بر قضا و مجریان قانون است که درخصوص شناخت دلیل عدم تمکین زوجه، واکاوی و دقت و زمان لازم را صرف کنند.

ارائه راهکار و پیشنهاد

در پایان، می‌توان گفت که اگرچه ایجاد تحول در وضعیت ازدواج مجدد معلول بازنگري شرایط اجتماعی و فرهنگی است، نمی‌توان لحظه‌ای از نقش چشمگیر حکومت در این میان چشم‌پوشی کرد، زیرا اهرم اصلاح و در نتیجه اجرای قوانین به دست اوست و لذا اگر بنا باشد خوانش‌های مناسبی برای عصر حاضر انجام گیرد، نیازمند یاری قانون‌گذاری است که در یک صورت کلی شاکله حکومت را می‌سازد. بنابراین، ضروری است بر این مبنا پیشنهادهایی ارائه شود تا مقنن را در طی این مسیر یاری کند.

نخست به نظر می‌رسد علل موجه یا همان عللی که مشروعیت ازدواج مجدد را موجب می‌شوند، باید به‌درستی تبیین و تصریح شوند تا سوء استفاده از این اباحه شرعی به کمترین حد ممکن برسد. به منظور تحدید این علل بایسته است متن آیات، روایت و متون فقهی در کنار یکدیگر بررسی شوند و از انتخاب‌های گزینشی در این بین ممانعت به عمل آید.

همچنین، ضروری است حقوق همسران و مصلحت اطفال در این بین ملحوظ شود. بر این مبنا می‌توان ماده‌ای را به‌صورت پیشنهادی طراحی کرد که نسبت به مواد موجود جامعیت بیشتری داشته باشد و نگرشی چندسویه به این مسئله بیندازد. آن ماده از قرار ذیل است:

دادخواست اجازه ازدواج مجدد به طرفیت زوجه قبلی تقدیم دادگاه خانواده شود، دادخواست ازدواج مجدد باید متضمن منفعت مشروع و عقلایی باشد. علل مشروع و موجه تعدد زوجات بدین شرح است:

۱. عدم تمکین زوجه؛ ۲. رضایت همسر اول؛ ۳. عدم قدرت همسر اول به ایفای وظایف زناشویی؛ ۴. عدم امکان فسخ نکاح در موردی که زندگی زناشویی به خاطر ابتلاء زن به جنون یا امراض صعب‌العلاج به مخاطره می‌افتد؛ ۵. محکومیت زن به حکم قطعی به مجازات ۵ سال حبس یا بیشتر یا به جزای نقدی که بر اثر عجز از پرداخت، منجر به ۵ سال حبس شود یا محکوم به حبس و جزای نقدی که در مجموع منتهی به ۵ سال حبس یا بیشتر شود و حکم مجازات در حال اجرا باشد؛ ۶. خلل به زندگی خانوادگی در صورت ابتلاء زن به هرگونه اعتیاد

مضر به اساس زندگی؛ ۷. ترک زندگی خانوادگی از سوی زن؛ ۸. عقیم‌بودن زن؛ ۹. غایب مفقودالاثر شدن با رعایت ماده ۱۰۲۹ ق.م.

تبصره ۱: زوج مکلف است قبل از تقدیم دادخواست ازدواج مجدد، حقوق مالی زوجه قبلی (مهریه، نفقه و اجرت‌المثل) را، در صورت مطالبه، تأدیه نماید. زوج باید فاقد سابقه ترک انفاق و سایر جرایم علیه تکالیف و مصالح خانوادگی باشد.

تبصره ۲: دادگاه پس از تحقیق و اقدامات ضروری و در صورت امکان تحقیق از زن فعلی و احراز توانایی مالی مرد و اجرای عدالت و امکان تهیه مسکن جداگانه برای هریک از همسران و اثبات صحت علت موجه اجازه ازدواج مجدد صادر خواهد کرد.

تبصره ۳: چنانچه زوجه وکالت بلاعزل و ضمن عقد نکاح از سوی زوج نداشته باشد که در صورت اختیار همسر دیگری بتواند خود را مطلقه سازد، زوج مکلف است در صورت اختیار همسر دیگر، ضمن عقد خارج لازم وکالت بلاعزل به زوجه برای مطلقه‌نمودن و قبول بذل به وی بدهد تا در صورت خروج زوج از عدالت و از بین رفتن استطاعت مالی بتواند خود را مطلقه نماید.

در توضیح بیشتر تبصره سوم باید این‌گونه نگاشت که رفتار معروف زوج از حقوق زوجه است. همچنین مطابق اصل، در شرایطی که عسروخرج زوجه محرز است، وی حق در طلاق دارد. باین‌حال مبرهن است که اثبات وضعیت خرجی خود سختی‌های بی‌شماری دارد که به نوعی مشکل مضاعفی برای زوجه به حساب می‌آید. لذا پایان‌دادن به این وضعیت خرجی باید از حقوق زوجه به‌شمار رود. شایان ذکر است که این امر منافاتی با ادامه زندگی زناشویی ندارد و فقط در صورت تمایل خود زوجه به منصفه ظهور می‌رسد.

همچنین، به نظر می‌رسد که مفید آن باشد که در شرایطی که تقاضای ازدواج مجدد به دلایلی همچون نشوز و عدم تمکین تقدیم دادگاه شده است، قاضی پیش از هرگونه بررسی و ورود به موضوع، زوجین را به نهاد مشاوره تخصصی ارجاع دهد و در صورت نتیجه‌بخش نبودن مذاکرات و اظهارات مشاور مربوطه بر این مبنا، پرونده در دادگاه خانواده بررسی شود. بنابراین، می‌توان این طرح را در قالب ماده ذیل به مقنن پیشنهاد کرد:

در دادخواست‌های ازدواج مجدد، دادگاه رأساً یا به درخواست زوجه قرار ارجاع امر به نهاد مشاوره تخصصی را صادر می‌نماید. تعیین مدت زمان مورد نیاز برای نظر کارشناسی به عهده مشاور پرونده است.

تبصره ۱: چنانچه زوج از شرکت در جلسات مزبور بدون علت موجه خودداری نماید، دادگاه رسیدگی به درخواست وی را ملغی اعلام می‌نماید.

تبصره ۲: چنانچه زوجه از شرکت در جلسات مزبور بدون علت موجه خودداری نماید، دادگاه پس از مدت معینی به درخواست ازدواج مجدد زوج رسیدگی خواهد کرد.

منابع

- [۱] قرآن کریم.
- [۲] قانون مدنی و قانون حمایت از خانواده.
- [۳] اسعدی، سیدحسین (۱۳۸۷). *خانواده و حقوق آن*، مشهد: به‌نشر.
- [۴] انصاری، مرتضی (۱۴۱۵). *کتاب‌النکاح*، قم: المؤتمر العالمي.
- [۵] بداعی، فاطمه (۱۳۸۷). «ازدواج مجدد در کشورهای اسلامی»، فصل‌نامه شورای فرهنگی-اجتماعی زنان، س ۱۰، ش ۴۰، تابستان.
- [۶] جاوید، محمدجواد (۱۳۸۹). «از فرهنگ چندهمسری تا حقوق چندهمسری»، فصل‌نامه زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، دوره ۲، ش اول، پاییز.
- [۷] جبعی (شهید ثانی)، زین‌الدین بن علی (۱۴۰۳). *شرح اللمعه الدمشقیه*، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- [۸] حاجی‌علی، فریبا (۱۳۸۸). «مبانی فقهی و حقوقی نظام تعدد زوجات در خانواده»، فصل‌نامه فقه و حقوق خانواده، دوره ۱۴، ش ۵۰، تابستان و پاییز.
- [۹] حکیم‌پور، محمد (۱۳۸۲). *حقوق زن در کشاکش سنت و تجدد*، تهران: نغمه نواندیش.
- [۱۰] خوبی، سیدابوالقاسم (۱۴۰۴). *مبانی العروۃ الوثقی* (کتاب النکاح)، النجف الاشرف: مدرسه دارالعلم.
- [۱۱] رمضان نرگسی، رضا (۱۳۸۴). «بازتاب چندهمسری در جامعه»، فصل‌نامه کتاب زنان، بهار.
- [۱۲] زحیلی، وهبه (۱۴۱۸). *الفقه الاسلامی و ادلته*، ج ۵ و ۹، دمشق: دارالفکر، چ ۴.
- [۱۳] زحیلی، وهبه؛ البغا، مصطفی؛ لحام، حنان (۲۰۰۰). *تعدد الزوجات فی الاسلام*، تحقیق: محمد الجش، دمشق: دارالحافظ.
- [۱۴] شهید ثانی، زین‌الدین عاملی (۱۴۰۳). *مسالك الافهام*، ج ۵ و ۸، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- [۱۵] طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۳). *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۴، قم: نشر اسلامی.
- [۱۶] طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم (۱۴۱۷). *العروۃ الوثقی*، ج ۵، قم: نشر اسلامی.
- [۱۷] طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۵). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ج ۳ و ۷، تحقیق: عده‌ای از محققان، بیروت: مؤسسه الاعلمی.
- [۱۸] طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۸). *المبسوط*، ج ۶، تهران: المطبعة الحیدریه.
- [۱۹] عبده، محمد (۱۴۱۴). *الاعمال الکامله*، ج ۲، تحقیق: محمد عماده، بیروت: دارالشروق.
- [۲۰] کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۵). *حقوق خانواده*، ج ۱، تهران، شرکت سهامی انتشار، چ ۴.
- [۲۱] کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۱). *جامع المقاصد*، ج ۱۲، قم: مؤسسه آل‌البتیة للاحیاء التراث.
- [۲۲] کریمی، محمدتقی؛ سجادی امین، مهدی (۱۳۸۹). «نقد و بررسی ماده ۲۳ لایحه حمایت از خانواده»، *مطالعات راهبردی زنان*، س ۱۲، ش ۴۸، تهران: شورای فرهنگی اجتماعی زنان.
- [۲۳] کوئن، بروس (۱۳۷۷). *درآمدی به جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: توتیا.
- [۲۴] گرجی، ابوالقاسم و دیگران (۱۳۸۴). *حقوق تطبیقی خانواده*، تهران: دانشگاه تهران.
- [۲۵] گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶). *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.
- [۲۶] مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*، ج ۱۹، تهران: صدرا.

- [۲۷] معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه (۱۳۸۲). مجموعه نشست‌های قضایی (۳). مسائل قانون مجازات اسلامی (۳)، قم: قضا، چ ۲.
- [۲۸] مفید (شیخ مفید)، محمد بن محمد (۱۴۱۰). *المقنعه*، ج ۷، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- [۲۹] مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*، ج ۳ و ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- [۳۰] مور، استفن (۱۳۷۶). *دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی*، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس.
- [۳۱] مهری، هما (۱۳۷۷). «بر دانش حقوقی خود بیفزایید»، *مجله حقوق زنان*.
- [۳۲] نجفی، محمدحسن (۱۳۶۷). *جوهر الکلام*، تحقیق: قوچانی، ج ۲۹ و ۳۰، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- [۳۳] ویل دورانت (۱۳۷۰). *تاریخ تمدن*، ترجمه احمد آرام و ع پاشائی و امیرحسین آریان‌پور، تهران: سازمان انتشارات آموزش و پرورش انقلاب اسلامی، چ ۳.
- [۳۴] _____ (۲۰۰۱). «مجموعه الوثائق والنصوص القانونیه المتعلقة بوضعیه المرأه بالغرب»، رباط.
- [۳۵] سی‌دی بانک اطلاعات آراء دادگاه‌ها و نظریات مشورتی، نگارش ۴/۲، زمستان.
- [36] Giddens , Anthony (1993). "Sociology", *Oxford polity*.
- [37] Gould , Julius and Kolb , William.L (1964). "A Dictionary of the social science" , Taristock , publications , London.

